

ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران

جعفر شرافتی‌پور*

طرح مسأله: نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در بروز انحرافات اجتماعی از طرف اغلب جامعه‌شناسان و محققین مورد توجه قرار گرفته است. تحقیق حاضر با تکیه بر یافته‌های این قبیل جامعه‌شناسان به بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران در سال ۸۳ می‌پردازد. هدف از این تحقیق تعیین رابطه میان این ویژگی‌ها و خیابانی شدن زنان است.

روش: روش تحقیق پیمایشی بوده و جامعه آماری را زنان خیابانی در تهران تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۱۵۰ نفر است. این تحقیق علاوه بر روش آمار توصیفی، با بهره‌گیری از روش آمار استنباطی، به تجزیه و تحلیل دقیق رابطه میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پرداخته است.

یافته‌ها: اولین تماس جنسی زنان خیابانی عمدتاً مربوط به سن ۱۳/۵ سالگی است. بیشترین فراوانی سن شروع فعالیت جنسی در خیابان، مربوط به سن ۱۵ سالگی است. به‌طور متوسط هر زن خیابانی در هر هفته ۹ بار تماس جنسی برقرار می‌کند. ۴۵/۳ درصد از زنان خیابانی به تنهایی زندگی می‌کنند.

نتایج: با مطرح شدن کلیه عوامل به‌طور هم‌زمان در مدل، این نتیجه حاصل شد که رابطه میان ویژگی‌های اجتماعی و ویژگی‌های اقتصادی به‌عنوان متغیرهای مستقل و خیابانی شدن (به‌عنوان متغیر وابسته)، معنادار بود.

کلید واژه‌ها: خیابانی شدن، زنان خیابانی، ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های اقتصادی

تاریخ پذیرش: ۸۵/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۸۵/۳/۱۲

مقدمه

در سال ۶۷ پس از تخریب قلعه شهرنو در تهران، هزاران زن روسپی در آن محدوده دستگیر و تحویل سازمان بهزیستی شدند. پس از مدتی اکثر این افراد به دلیل ناتوانی دستگاه‌های ذی‌ربط در بازپروری آنان، آزاد شدند. اما از میان این عده، افراد قدیمی‌تر و کهنه‌کار، با اجاره خانه‌های فساد و جمع‌آوری روسپیان جوان، به صورت مخفیانه شروع به فعالیت کردند. تا پایان دوران دفاع مقدس، فعالیت این افراد در سطح تهران و یا شهرهای دیگر کشور عمدتاً غیرعلنی بود، لذا تأثیرات کمتری به همراه داشت. اما تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور و بروز مشکلات اجتماعی به ویژه از دهه ۷۰ به بعد، به تدریج گروه دیگری از روسپیان را به عرصه فعالیت‌های جنسی وارد نمود، گروهی که نمی‌توان ارتباط چندانی میان آنان و تجربیات نسل گذشته‌شان برقرار ساخت. این گروه، از نسل پیشین خود کمترین اطلاعی ندارد زیرا آن‌ها حاصل شرایط جدید هستند، شرایطی که موجب شده است فعالیت آن‌ها بیش از دهه قبل علنی به نظر برسد؛ بنابراین وجه بارز گروه جدید، زنان خیابانی هستند.

عواملی نظیر پراکندگی زنان خیابانی در شهرهای بزرگ و فقدان انسجام جغرافیایی مربوط به حوزه فعالیت و نیز اختفاء اقدامات برخی از آنان در محل سکونت و از همه مهم‌تر، ملحق شدن تعداد زیادی از افراد جدید به گردونه فعالیت خیابانی‌ها در طول هر سال و نیز وجود مشکلات فراوان در زمینه پژوهش، انجام تحقیقات در این خصوص را دشوار می‌نماید. علل و عوامل مؤثر در روسپی‌گری فراوان است و این عوامل از جنبه‌های مختلف قابل مطالعه هستند. در این میان توجه به زمینه‌های اجتماعی، بیش از سایر موارد نیازمند مطالعه و بررسی جدی می‌باشد. بدیهی است ضعف عمده در این زمینه موجب می‌شود این پدیده نه آن‌گونه که بایسته است، بلکه آن‌گونه که خودمان بر مبنای شرایط غیرواقعی برای آن ترسیم کرده‌ایم، منشأ قضاوت، برنامه‌ریزی و برخورد قرار گیرد.

(۱) بیان مسأله

از زمانی که انسان پا به عرصهٔ حیات گذاشت و خود و محیط پیرامونش را شناخت و زندگی در کنار دیگران را در اجتماع تجربه کرد، به طور طبیعی از کشش و جاذبه ای در درون خود آگاه شد که پیوسته او را به سمت جنس مخالفش سوق می‌داد. کشش و جاذبهٔ دو جنس مخالف همیشه مسیر درست خود را طی نکرده و تحت تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع مختلف، در پاره‌ای از مقاطع موجب برقراری نوعی رابطهٔ تجاری میان دو طرف شده است به‌گونه‌ای که همیشه یک طرف (زن) را به عنصر عرضه‌کنندهٔ تن و دیگری (مرد) را به عنصر خریدار تبدیل کرده است.

در اعصار کهن، فروش لذت جنسی و یا روسپی‌گری گاه در حلقهٔ انحصار معابد قرار می‌گرفته و لذا جنبهٔ اعتقادی آن بارزتر می‌شده است و به قول ویل دورانت، معابد متعدد برای آن برپا می‌گردیده است. گاه خانواده‌ها آن را در خدمت خود می‌گرفته اند که در این صورت به یک هنجار خانوادگی تبدیل می‌شده و زمانی دولت‌ها و صاحب منصبان از آن منافع مادی می‌برده‌اند و حتی به تعبیر ژان گابریل مانسینی محقق فرانسوی، پادشاهان و افراد وابسته به آنان نقش واسطه‌گی پیدا کرده در نتیجه، جنبهٔ تجاری آن تفوق می‌یافته است. از این رو در خصوص روسپی‌گری در آن اعصار به نام‌هایی چون روسپیان معابد، روسپیان مقدس، کنیزان روسپی و روسپیان دربار برمی‌خوریم که این امر می‌تواند نشانه‌هایی از ویژگی‌های اجتماعی آن دوران باشد.

به موازات پیچیده‌تر شدن زندگی انسان و اجتماعات بشری در قرون معاصر، این پدیده نیز دستخوش تحولاتی شده و اشکال جدیدتری از آن در اجتماع ظاهر شده است. به عنوان مثال در یک دسته‌بندی جدید، پرکینز (Perkins. 1991:2) روسپیان را به طبقات ذیل تقسیم می‌کند:

- روسپیان خیابانی^۱

- روسپیان سالن ماساژ^۲

1. Street Prostitutes (street walker)

2. Bondage And Discipline

- روسپیان خصوصی یا دختران تلفنی^۱

- روسپیان هتل/کلوپ/قهوه خانه^۲

- روسپیان فاحشه خانه^۳

- روسپیان همراه یا مشایعت کننده^۴

روسپی‌گری در هر دسته و شکلی که باشد امروزه اکثر کشورهای دنیا آن را به عنوان یک واقعیت اجتماعی و تاریخی مورد توجه قرار داده و به همین دلیل اقداماتی برای کنترل آن صورت داده‌اند؛ از جمله در اغلب کشورها با قاچاق زنان و دختران و حتی مشتریان روسپی‌گری مبارزه می‌شود.^۵ همچنین آمار روسپیان در اکثر کشورها مشخص بوده و فعالیت آنان تحت ضوابط و چارچوب‌های مشخص انجام می‌پذیرد.

اما فعالیت زنان خیابانی در تهران نمود و تظاهر مجرمانه پیدا می‌کند، به گونه‌ای که جامعه را با نگرانی و فراتر از آن ناامنی فزاینده مواجه می‌سازد زیرا زنان خیابانی که در سطح خیابان‌ها و در مقابل دیدگان عابران و رهگذران با مشتریان خود ارتباط برقرار می‌سازند، احساس ناامنی را در جامعه تقویت می‌کنند. از منظر جامعه‌شناختی، بی‌توجهی به این امر می‌تواند آثار مخربی داشته باشد زیرا مماشات با رفتارهای مجرمانه زنان، اذهان نوجوانان و جوانان را به تدریج به آن عادت داده، جنبه‌های ناهنجاری رفتار زنان خیابانی را کم‌رنگ ساخته و در دراز مدت تعداد بیشتری از زنان را به این عرصه می‌کشاند.

در سال‌های اخیر هر مشاهده‌گر دقیقی به خوبی می‌تواند در بررسی‌های مشاهده‌ای خود در شهر تهران با زنان و دختران جوانی در سطح خیابان‌ها و معابر عمومی مواجه شود که با حرکت در خیابان و ایستادن در مناطق خاص شهر به خودنمایی مشغول هستند،

1. Private Prostitution (Call Girl)
2. Hotel/Club/Coffee Dounge Prostitution
3. Brothel Or parlour prostitution
4. Escort Work

۵. در کشور سوئد، براساس قوانین جدید، با مشتریان روسپی‌گری برخورد قانونی به عمل می‌آید.

- ویژگی‌های این زنان را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:
- در ابتدای فعالیت، محل ثابت و یا پایداری ندارند (عمدتاً متحرک هستند) لذا خود را در معرض انتخاب تعداد بیشتری از مشتریان قرار می‌دهند.
 - شناخت قبلی نسبت به مشتریان ندارند.
 - در کوتاه مدت لزوماً ارتباط خانوادگی‌شان قطع نمی‌باشد.
 - عمل آنان مداومت دارد.
 - اعتیاد تقریباً یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مشترک آنان است.
 - نسبت به سایر روسپیان، آسیب‌های فوق‌العاده بیشتری را از نظر روانی و اجتماعی به جامعه وارد می‌کنند.
 - مهارت‌ها و آموزش‌های زیادی را از گروه همسالان فراگرفته و در یک چرخه فعال، خود به یک عامل تأثیرگذار بر روی دختران جوان تبدیل می‌گردند.
 - اغلب از خانواده‌های نابسامان هستند و تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی نامناسب دست به فحشا می‌زنند.
 - به دلیل رعایت اصل احتیاط، به هنگام حرکت یا ایستادن در خیابان به ندرت در گروه‌های سه نفره و یا بالاتر، در کنار یکدیگر دیده می‌شوند.
 - بسیاری از آنان با شبکه‌ها و خانه‌های فساد در ارتباط هستند.^۱
- در این تحقیق با تکیه بر جنبه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی زنان خیابانی، سؤال اصلی پژوهش بدین‌گونه مطرح می‌شود:

«زنان خیابان دارای چه ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی هستند؟»

- اما علاوه بر این دو ویژگی اساسی، سؤالات دیگر تحقیق به شرح زیر می‌باشند:
- الف) آیا میان ویژگی‌های اقتصادی زنان و گرایش به خیابانی شدن آن‌ها رابطه وجود دارد؟
 - ب) آیا میان ویژگی اجتماعی زنان و گرایش به خیابانی شدن آنان رابطه وجود دارد؟

۱. ویژگی‌های موردنظر، خلاصه اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های متعدد با زنان خیابانی و بررسی پرونده‌های مربوطه طی سال‌ها فعالیت و تجربه محقق در این زمینه بوده است.

ج) آیا زنانی که گرفتار خشونت خانوادگی هستند بیش از زنانی که متعلق به خانواده‌های از هم گسسته هستند در معرض خیابانی شدن قرار دارند؟

۲) چارچوب نظری تحقیق

۲-۱) تبیین عوامل زمینه‌ساز انحراف جنسی در زنان

زنان خیابانی اغلب در خانواده‌های نابسامان به دنیا می‌آیند. در این خانواده‌ها مسکن نامناسب، تعداد فرزندان بالا، فقر، بیکاری و اعتیاد پدران، خشونت خانوادگی، پایین بودن سطح تحصیلات والدین، مشاغل پست و یا سطح پایین از مهم‌ترین ویژگی‌ها محسوب می‌گردند.^۱ زنانی که بعدها به جرگه روسپیان خیابانی می‌پیوندند، پیش از این در محیط‌هایی رشد می‌کنند که این ویژگی‌ها اغلب در آنان با تأثیرات عمیق همراه می‌شود. بنابراین از زمانی که خود را می‌شناسند در معرض شدیدترین فشارها قرار دارند. این دسته از زنان میان دو دسته از ارزش‌ها قرار دارند: ارزش‌هایی که در درون خانه آنان را احاطه کرده و ارزش‌های واقعی. بدیهی است سطح تماس بیشتر آنان با ارزش‌های درون خانه، بیش از ارزش‌های بیرونی، آنان را به سمت انحراف سوق می‌دهد. ماترا معتقد است گرایش به سوی کج‌رفتاری یک جریان تدریجی است که مرحله نخست آن ممکن است اتفاقی یا غیرقابل پیش‌بینی باشد. کج‌رفتار کسی است که در واقع میان هنجارهای رسمی و کج‌رفتاری در حال نوسان است. به نظر می‌رسد که از نظر ماترا کج‌رو فردی با حداقل آگاهی است که خود دقیقاً نمی‌داند چه باید بکند و هر لحظه به سوی کشیده می‌شود. کج‌رو هرچند نهایتاً دست به انتخاب می‌زند اما از دید ماترا، با آزادی کامل انتخابی انجام نمی‌دهد. بنابراین تصویر او از کج‌رو بیشتر مشابه یک انسان سرگردان است. انگیزه‌ای که ماترا برای انجام کج‌رفتاری ذکر می‌کند، خواسته‌های کج‌روها برای دستیابی به پدیده‌هایی مانند پول، روابط جنسی نامشروع و هیجان است. چون این افراد از راه‌های قانونی قادر به دستیابی به

۱. واحد مبارزه با مفاسد اجتماعی - فرماندهی انتظامی تهران بزرگ - گزارش‌های سال ۸۱ تا ۸۳.

این پدیده‌ها نیستند، به جای پذیرش سرنوشت خود به شکل مفعول، برعکس، فعالانه عمل می‌کنند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۷۱). در مورد روسپیان و زنان خیابانی این نظر کاملاً صدق می‌کند. یافته‌های بسیاری از تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد وضعیت اجتماعی افراد مورد بررسی نظیر شغل، درآمد، تعداد فرزندان خانواده، میزان ارتباط و صمیمیت اعضای خانواده و... نامناسب بوده است. والنو طی یک تحقیق در مورد ۴۲۴ نفر از روسپیان شهر بارنول (واقع در روسیه) از مشکلات مالی، اعتیاد و سخت‌گیری والدین به عنوان مهم‌ترین مشکلاتی که روسپیان با آن مواجه هستند یاد کرده است (Volnov, 2001).

دورکیم با طرح این مسأله که نیازها و تمایلات بشر نامحدود هستند. به عدم برآورده شدن این نیازها در جوامع و در میان اقشار مختلف سلسله مراتب اجتماعی اشاره می‌کند و معتقد است اگر شرایط اقتصادی جامعه دچار نابسامانی شود یا با بحران‌های دردناک اجتماعی و سیاسی مواجه شود، جامعه کنترل خود به اعضایش را از دست خواهد داد. در واقع در حالت نابسامانی‌های اقتصادی، نوعی ازهم پاشیدگی طبقه‌ای پیش می‌آید که در نتیجه آن بعضی افراد ناگهان در موقعیتی پایین‌تر از قبل قرار می‌گیرند. به این ترتیب ناچار می‌شوند از فرصت‌های خود بکاهند، نیازهای خود را محدود کنند. به نظر دورکیم این نابسامانی‌ها منجر به بروز بی‌هنجاری در جامعه شده و در سایه این بی‌هنجاری، انحرافات افزایش می‌یابد. کونینگ نیز نظریه دورکیم را این‌گونه تکمیل می‌کند که فقر به تنهایی و بدون دخالت عوامل دیگر به عنوان یک عامل ثابت بخش در جامعه عمل می‌کند. اما اگر در مقابل فقر تصویر یا قول آرزوهای بلندپروازانه ارائه شود در آن صورت است که فقر غیرقابل تحمل می‌گردد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۹). در خانواده‌هایی که از نظر وضع درآمد و دارائی، وضعیت مسکن و... با مشکل مواجه هستند زمینه انحراف بیش از پیش فراهم می‌شود. به اعتقاد سادرلند کودک معمولاً در خانواده پرورش می‌یابد، بنابراین سادرلند درآمد خانواده، محل اقامت و وضعیت مسکن را با میزان بزهکاری مرتبط می‌داند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹۳).

در مورد زنان خیابانی نیز ویژگی‌های اقتصادی خانواده، دقیقاً شرایط لازم را برای ورود آنان به جرگه منحرفین اجتماعی فراهم می‌سازد، زیرا زنان خیابانی با مشاهده زندگی زنانی نظیر خود که به دلیل برخورداری از منزلت اجتماعی در وضعیت بسیار مطلوب زندگی می‌کنند

دچار ناکامی می‌شوند و لذا برای جبران آن تلاش می‌کنند. به تعبیر کوهن طبقات پایین جامعه در دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند، جامعه در عین حال که آن‌ها را برای کسب منزلت تشویق می‌کند (و این امر در سایه رسانه‌های جمعی به شدت تبلیغ می‌شود) امکان دستیابی را در اختیار آنان قرار نمی‌دهد. به تعبیر کوهن طبقه محروم، شیوه‌های خود را برای دستیابی به منزلت پیدا کرده و این امر از طریق اشتغال به امر خلاف تحقق می‌یابد.

ورود دختران به عرصه فعالیت روسپی‌گری و حضور در خیابان برای پیدا کردن مشتری می‌تواند منطبق با نظریاتی باشد که برشمردیم؛ به ویژه آن‌که به لحاظ اقتصادی درآمد ناکافی خانواده و یا فقدان شغل مناسب می‌تواند زمینه‌ساز انحراف زنان باشد. بادریوا محقق روسی پس از انجام یک تحقیق در مورد ۱۱۰ نفر از روسپیان منطقه کازان روسیه، ضمن اشاره به مشکلات اقتصادی، ۹۰ درصد روسپیان را افراد فاقد شغل عنوان نموده است (Badriyeva, 2003).

۲-۲) خشونت خانوادگی

بی‌گمان خشونت در خانواده را باید یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز انحرافات در زنان دانست. خشونت زنان در ابعاد مختلف آن، چه در دوره زندگی با والدین و چه در زمان پس از ازدواج در مورد اکثر زنان اعمال می‌شود و این پدیده نه تنها در کشور ما، که در اغلب نقاط دنیا به اشکال گوناگون وجود دارد.^۱ خشونت در خانواده به مراتب بیش از گسستگی در خانواده در بروز انحراف در زنان نقش دارد و این امر می‌تواند متکی بر نظریه ساخت اجتماعی مرتون باشد که آگینو آن را کامل کرده است. بر مبنای نظر آگینو تأکید عمده نظریه‌های فشار اجتماعی، از جمله نظریه مرتون، توجه به اهمیت روابط

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی* (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران، نشرنی، صفحه ۲۱۸؛ مهرانگیز. (۱۳۸۰)، *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ص ۱۳؛ سروریان، سیدمحمدکمال. (۱۳۸۳)، *خشونت علیه زنان در فرانسه و آمریکا*، تهران، کتاب زنان، ص ۲۳؛ و گارشکوا، ایرنیا و شورگینا، ایرنیا، اعمال خشونت از جانب مسئولان (ترجمه سیامک سلطانی)، در <http://www.womeniran.htm>

اجتماعی منفی است. این روابط اجتماعی منفی، احساسات منفی مخصوصاً خشم را به همراه دارند که جنایت و بزهکاری شیوه‌های معمول آن هستند (ممتاز، ۱۳۸۱، ۷۷).

آگینو با برشمردن سه منشا کلی فشار، به مواردی نظیر سوءاستفاده جنسی و تنبیه‌های لفظی و جسمانی (ابعاد جنسی، روحی و جسمی خشونت) اشاره می‌کند. نای نیز ضمن اشاره به نقش خانواده در ارضای نیازها معتقد است برخی خانواده‌ها در تحقق تأمین زندگی و فراهم کردن امکانات در آینده نوجوانان، موفق‌تر از بقیه هستند و در نتیجه بیشتر می‌توانند نوجوان و جوان را با جامعه هم‌نوا سازند؛ در حالی که خانواده‌هایی که چنین توانایی‌هایی را ندارند کمتر می‌توانند از نوجوانان خود انتظار هم‌نوايي داشته باشند. نای اضافه می‌کند که فروپاشی خانواده کم‌اهمیت‌تر از خوشحالی و خوشبختی خانواده است. یعنی خانواده‌ای که پر از تشنج و اختلاف باشد، می‌تواند نقش مهمی در کج‌رفتاری نوجوان بازی کند اما نوجوانی که در خانواده طلاق گرفته ولی آرام زندگی کند وضعیت بهتری دارد و این همان نظریه‌ای است که مبنای اصلی ما برای طرح این فرضیه بود که خشونت خانوادگی در خیابانی شدن زنان نسبت به گسستگی، نقش بیشتری دارد. یکی از ابعاد خشونت، انجام تجاوز توسط محارم، دوستان و آشنایان می‌باشد. لمرت (۱۹۶۷) می‌گوید انگیزه کج‌رفتاری در سطح وسیعی در جامعه وجود دارد، اما زمانی که کج‌رفتاری کشف گردید و فرد به عنوان کچ‌رو برچسب خورد، تعهد فرد به کج‌رفتاری در اثر فشارهای ناشی از این برچسب بیشتر می‌شود؛ یعنی فرد برچسب خورده بیش از فرد برچسب نخورده به سوی کج‌رفتاری سوق پیدا می‌کند (همان، ۱۱۴).

از آن‌جا که بخشی از زنان، چه در محیط خانه و چه در خارج از آن، تماس جنسی را به صورت تجاوز تجربه می‌کنند و این امر با تأثیرات عمیق بر روح و جسم آنان همراه است، طبعاً زمینه‌گرایش آنان را به انحراف فراهم می‌آورد. اهمیت عامل خشونت، فمینیست‌ها را به طرح نظریاتی در این خصوص واداشته است به گونه‌ای که سی‌گال (Siegel) دانز و راک (Downes & Rock) هر دو به مسأله تجاوز و سوءاستفاده جنسی در محیط خانه یا مدرسه اشاره کرده و آن را در ارتکاب کج‌رفتاری توسط زنان مؤثر دانسته‌اند.

همه می‌دانیم زنان به محبت نیاز دارند و باید کسی را بیابند که از جانب او محبت ببینند؛

ضمن این‌که خود نیز مترصد هستند تا محبت، عاطفه و عشق را به دیگری نثار کنند و این از رموز خلقت است. اما زنان خیابانی غالباً کسی را در خانه پیدا نمی‌کنند که از جانب او محبت ببینند، چه رسد به این‌که بخواهند محبت خود را به او تقدیم کنند. اگر این عشق و محبت‌ها مسیر واقعی خود را نیابد به ناچار به بیراهه می‌رود. دخترانی که از جانب پدران خود به عنوان جنس مخالف کمترین محبت را احساس نمی‌کنند، دچار کمبود شدید عاطفه و محبت می‌شوند. این کمبود، آن‌ها را به شدت می‌آزارد و خشونت در خانواده آن‌ها نیز مزید بر علت می‌شود. مشاهده انواع خشونت در خانواده، زندگی را برای آنان پرآلام می‌سازد. یافته‌های تحقیق خانم علیایی زند، عمدتاً متوجه درون خانه و خانواده است. این تحقیق نشان می‌دهد که ۲۲/۵ درصد از زنان روسپی، در کودکی و نوجوانی قربانی سوء استفاده جنسی شده‌اند و ۱۱ درصد توسط نزدیکان و خانواده خود قربانی تجاوز شده‌اند (علیایی زند، ۱۳۶۹).

یافته‌های تحقیق صدیق سروستانی در طول ۵ سال بر روی حداکثر ۶۵۰ نفر از زنان و دختران تحت پوشش سازمان بهزیستی که در دو مرکز شفق و امیدوار نگهداری می‌شده‌اند نشان می‌دهد ۵۴/۱ درصد از ۶۰ درصد افرادی که مرتکب فرار از منزل شده‌اند، علت این کار را مشکلات درون خانواده (حتی تجاوز پدر) عنوان کرده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۲).

۳) روش تحقیق

۳-۱) اهداف پژوهش

- الف) تعیین روابط میان ویژگی‌های اقتصادی و خیابانی شدن زنان؛
- ب) تعیین روابط میان ویژگی‌های اجتماعی و خیابانی شدن زنان؛
- ج) تعیین رابطه میان هر یک از دو عامل خشونت و از هم گسستگی خانواده و خیابانی شدن زنان.

۳-۲) روش تحقیق و روش جمع آوری اطلاعات

در این تحقیق به منظور بررسی بهتر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی زنان خیابانی، بررسی و

تعیین رابطه میان متغیرهای مستقل با خیابانی شدن زنان (به عنوان متغیر وابسته)، کمک به مسئولین در جهت اعمال سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری از طریق شناخت ویژگی‌های زنان خیابانی، و نیز با توجه به ماهیت تحقیق و اقتضای موضوع و همچنین با در نظر گرفتن زمان و امکانات محدودی که در اختیار محقق قرار داشت، از روش پیمایشی به عنوان روش تحقیق و از روش کتابخانه‌ای و میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات در خصوص ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی افراد جامعه بهره‌گیری شده است.

۳-۳) جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق، زنان خیابانی در شهر تهران بوده‌اند. این زنان در نقاط مختلف این شهر سکونت دارند؛ برخی با خانواده‌هایشان زندگی می‌کنند و برخی نیز به دلیل گسستگی خانوادگی، از خانواده جدا شده‌اند. این افراد یا در مراکز و خانه‌های گروهی (تیمی) زندگی می‌کنند و یا این‌که فاقد جا و مکان مشخص هستند. بعضی نیز برای مدت کوتاه در مراکز بازپروری و مراکز مداخله در بحران وابسته به سازمان بهزیستی نگهداری شده‌اند.

۳-۴) روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

به دلیل آن‌که امکان دسترسی به تمامی افراد جامعه آماری (که به صورت پراکنده در شهر تهران زندگی می‌کنند) میسر نبود، به ناچار به مراکز مراجعه شد که این زنان در آنجا حضور داشتند. بنابراین حجم نمونه از طریق زیر به دست آمد:

الف) افراد نگهداری شده در مرکز مداخله در بحران هاجر (واقع در در شمال تهران) وابسته به سازمان بهزیستی استان تهران؛

ب) چند نقطه در سطح شهر تهران.

روش نمونه‌گیری در مورد اول به صورت تمام شماری بود. در مورد دوم نیز به صورت مراجعه به سطح شهر (در مناطق محدودی که معمولاً محل تردد افراد جامعه آماری) و مصاحبه تصادفی با آنان در یک دوره سه ماهه بود. حجم نمونه در این تحقیق ۱۵۰ نفر بود.

۳-۵) ابزار گردآوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز در این بررسی، از طریق پرسش‌نامه گردآوری شده است. پرسش‌نامه شامل ۹۶ سؤال بود که در بخش‌های زیر طبقه‌بندی و در خصوص افراد نمونه مورد سنجش قرار گرفته:

سطح ۱: سؤالات مربوط به ویژگی‌های فردی

سطح ۲: سؤالات مربوط به ویژگی اقتصادی و اجتماعی، ویژگی خانوادگی (گسستگی و خشونت در خانواده پدری و خانواده خود)

سطح ۳: سؤالات مربوط به میزان یأس و ناامیدی، میزان پیوند با جامعه، همنشینی با خلافکاران، و مشاهده زنان خیابانی در سطح شهر و آنومی در شهر تهران

۳-۶) شاخص‌های سنجش متغیر وابسته (خیابانی شدن)

برای سنجش بهتر متغیر وابسته و تعیین رابطه متغیرهای مستقل با آن، به ناچار اجزای متغیر وابسته تا حد امکان به شاخص‌های کمی تبدیل شد. برای این منظور اجزاء زیر مورد توجه قرار گرفتند:

- سن شروع اولین رابطه نامشروع در قبال وجه نقد؛

- سن شروع فعالیت در خیابان؛

- مدت فعالیت؛

- تعداد موارد رابطه جنسی در هر هفته؛

- میزان استمرار در فعالیت جنسی.

۳-۷) سطح سنجش متغیرهای مستقل و وابسته

برای اندازه‌گیری بهتر متغیرها، علاوه بر مقیاس رتبه‌ای، از سطح سنجش فاصله‌ای نیز استفاده شده است. بدلیل کیفی بودن بسیاری از متغیرها، طیف لیکرت با مقیاس ۰ تا ۱۰ درجه مورد استفاده قرار گرفت.

۴) تعاریف عملیاتی متغیرها

۴-۱) زن خیابانی

در واژه‌نامه‌های فارسی، هیچ واژه‌ای به نام «زن خیابانی» وجود ندارد. این اصطلاحی است که قدمتی طولانی در فرهنگ ما به عنوان یک واژه مستقل ندارد، اگرچه در تحقیقی که خانم ستاره فرمانفرمائی‌ان بر روی روسپیان شهر تهران در سال ۱۳۴۷ انجام داده، از واژه «خیابانی‌ها» به عنوان یکی از انواع روسپیان نام می‌برد.^۱ اما در فرهنگ‌های زبان فارسی چنین کلمه‌ای مشاهده نمی‌شود.

ژان گابریل مانسینی در طبقه‌بندی که از زنان فاحشه ارائه می‌دهد آن‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند که زنان کوچک‌گرد (خیابانی) یکی از آن‌ها می‌باشد. (مانسینی، [بی تا]، ۹)

آنتونی گیدنز از قول پل. ج گلدستین، انواع روسپی‌گری را بر حسب تعهد شغلی و زمینه شغلی طبقه‌بندی کرده است. زمینه شغلی به معنای نوع محیط کار و فرآیند کنش متقابل است که یک زن در آن شرکت دارد. یک زن خیابانی در خیابان با مشتریان وارد معامله می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۳، ۲۲۸)

عبارت "streetwalker" از دو جزء "street" به معنای کوچه و خیابان و "walker" به معنای ولگرد، گردش‌کننده متحرک و سیار تشکیل شده است اما در مجموع معنای مستقلی دارد. در اکثر فرهنگ‌های در دسترس، این عبارت به صورت یکپارچه و به معنی فاحشه آمده است. با این تعاریف و توضیحات تعریف خیابانی شدن به عنوان یک متغیر وابسته در این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

برقراری ارتباط جنسی با مردان در قبال دریافت پول یا هر نوع بهره‌مادی و انتفاعی از طریق پیدا کردن مشتری در خیابان (بدون آن‌که هدف اساسی، کسب لذت جنسی باشد).

۱. فرمانفرمائی‌ان (۱۳۴۷)، سیمای روسپیان تهران را در سه قالب «قلعه‌نشینان، گودنشینان و خیابانی‌ها» ترسیم نموده است.

۲-۴) خشونت

تعاریفی که تا کنون در مورد خشونت مطرح گردیده است، هرکدام واجد جنبه‌های خاصی از خشونت بوده‌اند. برخی به ابعاد جسمی و فیزیکی (بدنی)، برخی نیز به ابعاد روحی و روانی توجه بیشتری معطوف نموده‌اند. علاوه بر این، در بررسی ابعاد خشونت، معمولاً به عاملان، قربانیان و علل خشونت نیز توجه می‌شود. اما در این تحقیق چون هدف ما بررسی علل و انگیزه‌های خشونت نیست، لذا می‌باید تعریف خود را عمدتاً به ابعاد آن معطوف سازیم تا از این طریق امکان سنجش دقیق میزان خشونت در افراد نمونه فراهم گردد.

از میان تعاریفی که در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفت، تعریفی که از طرف وزارت مسائل زنان اتریش (Bmff, 1999) ارائه شده، یکی از جامع‌ترین تعاریف در مورد خشونت است که از یکسو ابعاد مختلف آن را دربرگرفته و از سوی دیگر به رابطه میان جامعه و خانواده و روابط درونی خانواده توجه داشته است. ما نیز ضمن استناد به این تعریف، شاخص‌های سنجش آن را نیز از طریق منابع موجود در این زمینه، بویژه آخرین انتشارات سازمان جهانی بهداشت و مرکز سلامت و توسعه (WHO) تحت عنوان **خشونت علیه زنان** (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰) و نیز منابع داخلی (با اندکی تغییر) استخراج نموده‌ایم. با این توضیحات تعریف خشونت چنین خواهد بود:

«زمانی که در یک رابطه تعارضی میان دو نفر، یکی از آن‌ها که قدرت و اقتدار بیشتری دارد، از اقتدار برای پیش بردن امیال خود بدون توجه به امیال فرد دیگر استفاده کند، خشونت صورت گرفته است». معمولاً والدین در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، بدنی و روانی و... از فرزندان خود اقتدار بیشتری دارند و امکان دارد با توسل به یکی از منابع ذکر شده، امیال خود را در برابر کودکان پیش ببرند. از طرف دیگر، مردان نیز معمولاً در خانواده قدرت و اقتدار بیشتری (بدنی، اقتصادی، اجتماعی و...) دارند که این هم زمینه خشونت را به وجود می‌آورد. (اعزازی، ۲۸:۱۳۸۰)

با توجه به تعریف مورد نظر، در این تحقیق خشونت خانوادگی در دو سطح قبل از ازدواج و بعد از ازدواج بررسی، و انواع خشونت در ابعاد و شاخص‌های زیر مورد سنجش

قرار گرفته است:

- الف) بعد روانی: شاخص‌های بگو مگو و دعوی لفظی، تهدید و ایجاد ترس (شکنجه روحی)؛
ب) بعد بدنی: شاخص‌های کتک‌کاری، شکنجه؛
ج) بعد جنسی: شاخص‌های آزار جنسی، مزاحمت و تماس بدنی، تجاوز جنسی توسط اعضای خانواده، اقوام و بستگان؛
د) بعد اقتصادی: شاخص‌های ندادن پول (خرجی، پول توجیبی)، جلوگیری از کارکردن در بیرون منزل، وادار کردن به انجام کار در بیرون منزل؛
ه) بعد اجتماعی: شاخص جلوگیری از رفت و آمد.

۳-۴) از هم گسستگی

از هم گسستگی خانواده نیز ابعاد مختلفی را دربرمی‌گیرد که عدم دقت نظر در آن می‌تواند موجب ارائه تعاریف ناقص شود. در تعاریفی که در این زمینه وجود دارد مهم‌ترین و در عین حال کامل‌ترین تعریف مربوط به ویلیام‌جی گود می‌باشد. این تعریف که انواع (یا به عبارتی، ابعاد) آن را نیز شامل می‌شود، به شرح زیر است:

«شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه ترکیبی از نقش‌های اجتماعی، به علت آن‌که یک یا چند تن از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود آن‌طور که باید و شاید برنیامده‌اند». بنا به این تعریف انواع گسستگی به قرار زیر است:

الف) عدم مشروعیت؛ یعنی آن‌که واحد خانوادگی کامل نشده است و می‌توان آن را جزء انواع عدم موفقیت در ایفای نقش در خانواده به حساب آورد، زیرا پدر یا شوهر وجود ندارد و در نتیجه، وظایف خود را انجام نمی‌دهند و این وظایف توسط جامعه یا مادر انجام می‌گیرند. بعلاوه لاقول یکی از دلایل عدم مشروعیت را می‌توان در عدم موفقیت اعضای خانواده (مادر یا پدر) در انجام تکالیف ناشی از نقش خود جستجو نمود.

ب) فسخ، جدایی، طلاق و ترک؛ در اینجا خانواده بدین دلیل تجزیه می‌شود که یکی از دو همسر تصمیم به جدایی می‌گیرد و بدین ترتیب از اجرای تکالیف ناشی از نقش خود باز می‌ایستد.

ج) خانواده توخالی؛ اعضای آن به زندگی با یکدیگر ادامه می‌دهند ولی روابط و کنش متقابل با یکدیگر ندارند و از حمایت احساسی یکدیگر محرومند.

د) غیبت غیر ارادی یکی از دو همسر؛ بعضی از خانواده‌ها به دلیل مرگ زن یا شوهر و یا زندانی بودن آنان و جنگ و یا فاجعه‌ای دیگر تجزیه می‌شوند.

ه) عدم موفقیت غیرارادی در اجرای نقش‌های اساسی؛ در اینجا علت گسیختگی خانوادگی ممکن است انواع امراض روانی، احساسی و یا بدنی باشد. کودکی ممکن است عقب‌ماندگی روانی داشته باشد و یا همسر و یا ولدی ممکن است یک بیمار روانی باشد. امراض طولانی نیز ممکن است باعث عدم موفقیت در اجرای نقش گردد. (جی، ۱۳۵۲: ۲۵-۲۴۸)

با در نظر گرفتن تعریف بالا، در این تحقیق، گسستگی در معنای دوم و چهارم و به معنای طلاق، جدایی، ترک و فسخ (علل ارادی) و غیبت غیرارادی یکی از دو همسر (علل غیرارادی) در مورد خانواده‌هایی به کار رفته است که یکی از زوجین یا هر دو، عمداً یا غیرعمداً از زندگی جدا و یا آن را ترک (دایم یا موقت) کرده و از عهده نقش خود در خانواده برنیامده است. بنابراین در مورد افراد نمونه، زندگی آنان با و یا بدون حضور والدین در خانواده، مورد سنجش قرار گرفته است.

۴-۴) ویژگی‌های اقتصادی

منظور از ویژگی اقتصادی در این تحقیق، وضعیتی است ذهنی و عینی که فرد در طول زندگی، احساس فقر و نیازمندی پایدار و دائمی نداشته باشد. شاخص‌های مربوط به بعد ذهنی و عینی که در این تحقیق مورد سنجش قرار گرفته‌اند به شرح زیر می‌باشند:

الف) بعد ذهنی: احساس نیاز (این احساس در مورد مسکن، خودرو، درآمد و دارایی والدین مورد ارزیابی قرار می‌گیرد)، انجام مقایسه؛

ب) بعد عینی: میزان درآمد، درآمد والدین، درآمد همسر، نوع مسکن، داشتن خودرو، گذران اوقات فراغت، دارایی والدین.

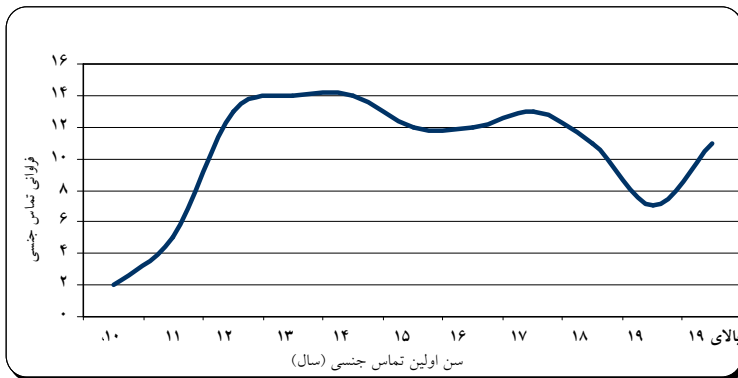
۴-۵) ویژگی‌های اجتماعی

در این تحقیق منظور از ویژگی اجتماعی، وضعیتی است که در آن موقعیت خانواده از نظر شاخص‌های زیر مورد توجه قرار گرفته است:

پایبندی به اعتقادات مذهبی خانواده، کنترل و نظارت بر رفتار، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر، منطقه سکونت، جرم‌خیز بودن محله سکونت، سابقه دستگیری خانواده، سابقه دستگیری همسر، سن مورد تجاوز قرار گرفتن توسط محارم، نوع اولین تجربه جنسی.

۵) یافته‌های تحقیق

نمودار ۱: سن نخستین تماس جنسی



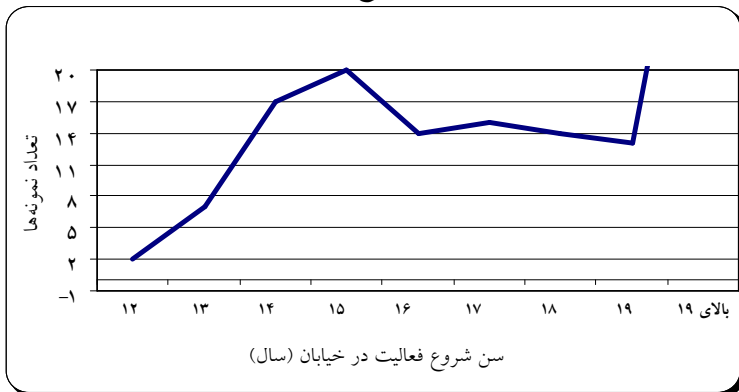
- با توجه به نمودار شماره ۱، دختران از مقطع سنی ۱۲ تا ۱۷ سالگی در معرض انحرافات جنسی قرار دارند.
- بیشترین فراوانی در اولین تماس جنسی نامشروع مربوط به سنین ۱۳ و ۱۴ سالگی است. پائین‌ترین سن اولین تماس جنسی ۱۰ سالگی و بالاترین آن در ۲۴ سالگی است.
- ۷۴/۶ درصد از افراد تا قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی، اولین تماس جنسی نامشروع را انجام داده‌اند.

نمودار ۲: سن شروع روسپی‌گری



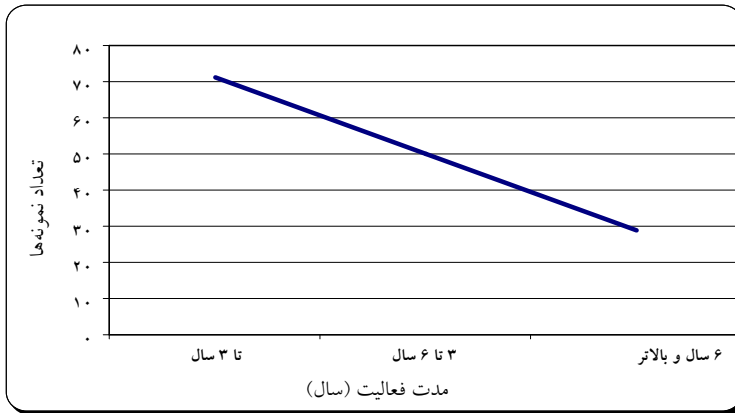
اندکی پس از اولین تجربه جنسی، فعالیت روسپی‌گری در دختران آغاز می‌شود. بررسی در مورد افراد نمونه نشان می‌دهد که سن شروع روسپی‌گری ۱۲ سالگی است. بیشترین فراوانی سن شروع روسپی‌گری مربوط به سن ۱۴ و ۱۵ سالگی است. دقت نظر در آمارهای ارائه شده (سن شروع اولین تجربه جنسی، سن شروع روسپی‌گری) نشان می‌دهد تقریباً به فاصله یک سال بعد از اولین تماس جنسی نامشروع، فعالیت‌های زنان وارد مرحله جدیدتر می‌شود. ۵۲ درصد از زنان تا قبل از رسیدن به سن قانونی (۱۸ سال)، وارد دنیای حرفه‌ای روسپی‌گری جنسی شده‌اند.

نمودار ۳: سن شروع فعالیت خیابانی



از آن‌جا که شروع فعالیت جنسی به صورت حرفه‌ای در زنان معمولاً به دنبال جدایی از خانه آغاز می‌شود، لذا میان اولین تماس‌های جنسی در قبال دریافت پول با شروع فعالیت در خیابان و جستجوی مشتری در سطح شهر برای برقراری ارتباط جنسی فاصله بسیار اندکی وجود دارد. در مورد افراد نمونه، این فاصله از چند ماه تجاوز نمی‌کند، کمترین که در این تحقیق بیشترین فراوانی سن شروع فعالیت در خیابان مربوط به سن ۱۵ سالگی است. بنابراین می‌توان شروع فعالیت خیابانی‌ها را اندکی پس از سن شروع روسپی‌گری مورد توجه قرارداد.

نمودار ۴: سابقه فعالیت جنسی (در خیابان)



برای آن‌که مشخص شود زنان خیابانی چند سال در خیابان فعالیت دارند، مدت فعالیت آنان در خیابان‌های تهران مورد سؤال قرار گرفت که بیشترین فراوانی‌ها دو سال اخیر را نشان می‌دهد. (کمترین حضور ۶ ماه و بیشترین سابقه حضور و فعالیت در خیابان ۲۳ سال بوده است). ضمناً با توجه به این‌که بیشترین تراکم یا تعداد نمونه‌ها مربوط به افرادی است که سابقه فعالیت کمتری دارند و از طرفی با توجه به نمودارهای شماره ۱ تا ۳، این افراد عموماً سن کمتری دارند، بنابراین نقش دختران جوان در افزایش فعالیت‌های خیابانی آشکار می‌شود.

۶) توصیف داده‌ها

۶-۱) نوع اولین تماس جنسی

برابر آمارهای به دست آمده، اولین تماس جنسی عمدتاً مربوط به سن ۱۳/۵ سالگی است. این تماسها اکثراً ناخواسته صورت می‌گیرد (۵۴/۷ درصد). برخی زنان نیز اولین تماس جنسی را با همسر قانونی خود تجربه می‌کنند ولی بعدها به جرگه زنان خیابانی می‌پیوندند (۲۳/۳ درصد).

۶-۲) سن شروع تماس جنسی

آمار فراوانی نشان می‌دهد سن شروع روسپی‌گری عمدتاً مربوط به سن ۱۴/۵ سالگی و بیشترین فراوانی سن شروع فعالیت جنسی در خیابان، مربوط به سن ۱۵ سالگی است. به تعبیر روشن‌تر، زنان خیابانی به فاصله کمتر از یک سال از شروع فعالیت روسپی‌گری، فعالیت در خیابان را آغاز می‌کنند.

۶-۳) تعداد تماس جنسی

تعداد تماس‌های جنسی زنان خیابانی متفاوت می‌باشد. درمورد افراد نمونه، این تماس‌ها از ۱ تا ۳۰ بار در هفته متغیر بوده است. به‌طور متوسط هر زن خیابانی در هر هفته ۹ بار تماس جنسی برقرار می‌کند.

۶-۴) وضعیت تأهل

بیشتر زنان خیابانی هنوز ازدواج نکرده‌اند. افراد مجرد با ۶۶ درصد بیشترین فراوانی را دارند. افراد مطلقه با ۱۷/۳ درصد در ردیف بعدی قرار دارند. پایین‌ترین سن ازدواج زنان خیابانی ۱۰ و بالاترین ۲۶ سال بوده است. بیشترین فراوانی ۱۴ و ۱۵ سال است. میانگین سن ازدواج در زنان خیابانی ۱۵ سال است. براساس نتایج این تحقیق بیشترین متارکه

حدود ۲ سال بعد از ازدواج صورت می‌گیرد، این امر نشان می‌دهد در این زنان به فاصله دو یا سه سال پس از ازدواج، متارکه صورت گرفته و مدتی پس از آن، فعالیت جنسی نامشروع آغاز شده است (۴۳/۳ درصد از زنان خیابانی غیرمجرد را کسانی تشکیل می‌داده‌اند که حداکثر تا ۳ سال بعد از ازدواج، از یکدیگر جدا شده‌اند).

۵-۶) با چه کسانی زندگی می‌کند؟

۴۵/۳ درصد از زنان خیابانی به تنهایی زندگی می‌کنند، ۲۶/۴ درصد در کنار برخی اعضای خانواده به سر می‌برند که تنها ۶/۱ درصد از آن‌ها دارای خانواده کامل هستند (پدر و مادر و یا همسر و فرزندان)، مابقی افراد، در خانه دوستان، اقوام و خانه‌های تیمی و دوستان پسر خود زندگی می‌کنند.

۶-۶) ویژگی‌های اقتصادی

- زنان معمولاً ارزیابی درستی نسبت به میزان حقوق والدین خود ندارند. بنابراین به منظور شناخت این مسأله، به این امر اکتفا شد که اموال و یا دارائی‌ها و به طور کلی حقوق و درآمد والدین تا چه میزان نیازهای آنان را برآورده می‌ساخته است.
- ۷۴/۶ درصد از افراد نمونه اعلام کرده‌اند دارائی و اموال والدین آن‌ها، تأثیر کمی در رفع نیازهای آنان داشته است. از این تعداد ۱۹/۵ درصد اعلام کرده‌اند به هیچ وجه اموال مذکور تأثیری در زندگی‌شان نداشته است.
- میانگین تأثیر دارائی والدین در برآورده شدن نیازها در مورد افراد نمونه، ۲۴/۱۳ درصد بوده که در حد کم قرار می‌گیرد.
- میانگین تأمین نیازها از طریق حقوق والدین، ۲۹/۵۶ درصد و در حد کم قرار دارد.

۷-۶) ویژگی‌های اجتماعی

- از نظر سطح تحصیلات حدود ۳۱/۳ درصد از زنان خیابانی تا مقطع راهنمایی تحصیل

کرده‌اند. به‌طور کلی ۹۱/۳٪ از زنان خیابانی هیچ‌گاه به مقطع دیپلم نمی‌رسند؛ ۶/۷٪ درصد از آنان دیپلم گرفته و ۲٪ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند و ۱۳/۳٪ درصد از آنان نیز بی‌سوادند که این رقم اندکی بیشتر از سطح بی‌سوادی جامعه می‌باشد. به‌طور متوسط تعداد سال‌های تحصیل برای هر زن خیابانی ۶/۳۲ سال است. میانگین سطح تحصیل پدران آن‌ها ۵/۸ و در مورد مادران آن‌ها ۴/۳۹ سال می‌باشد. تعداد والدین تحصیل کرده دانشگاهی از تعداد دختران خیابانی تحصیل کرده و دانشگاهی بیشتر است (۹٪ درصد در برابر ۲٪ درصد).

- زنان خیابانی اکثراً متعلق به خانواده‌های پرجمعیت هستند. افراد متعلق به خانواده‌های دارای ۵ فرزند و بالاتر با ۵۹/۳٪ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. به‌طور متوسط هر خانواده زن خیابانی، ۵ فرزند دارد.

- حدود ۴۹/۳٪ درصد از زنان خیابانی شاهد مصرف، توزیع و یا خرید و فروش مواد مخدر توسط والدین خود بوده‌اند. ۲۲٪ درصد از این زنان، به مصرف و یا توزیع مواد مخدر در خانواده‌های خود اشاره کرده‌اند. ۸۵/۳٪ درصد از آنان در سال‌های گذشته، مواد مخدر را تجربه کرده و ۶۸/۸٪ درصد در حال حاضر معتاد هستند. میانگین سن شروع اعتیاد در زنان خیابانی ۱۷/۹۴ سال می‌باشد. ۳۴/۱٪ درصد از زنان خیابانی در سنین پایین‌تر از ۱۵ سالگی به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده‌اند.

- افراد نمونه در این تحقیق، پدرانشان را ۲۳/۹۳٪ درصد و مادرشان را ۳۰/۰۴٪ درصد به خود نزدیک احساس می‌کرده‌اند.

۸-۶) خشونت در خانواده

زنان خیابانی اکثراً مواردی از خشونت را در ابعاد مختلف (روحی، جسمی، اقتصادی، اجتماعی و جنسی) در خانواده پدری تجربه کرده‌اند. به لحاظ اقتصادی بیش از ۹۸٪ درصد از زنان خیابانی محدودیت ناشی از ندادن پول مورد نیازشان توسط والدین خود را حس کرده‌اند. به لحاظ اجتماعی، ۴۹٪ درصد از آنان با محدودیت‌هایی از نظر برقراری ارتباط با دیگران مواجه بوده‌اند. به لحاظ روحی اکثر آنان مواردی از بگو و مگو و دعوای والدین شان

را با خود تجربه کردند، که این نوع خشونت در مورد ۷۶/۶ درصد از آنان به شکل حاد مطرح بوده است. حدود ۵۷/۱ درصد شدیداً در خانواده پدری مورد کتک کاری قرار گرفته‌اند. حدود ۲۷/۷ درصد نیز مواردی از تجاوز جنسی در خانواده خود را لمس کرده‌اند.

۷) نتیجه‌گیری

سن شروع تماس جنسی یکی از عوامل با اهمیت است که وارد شدن آن در مدل رگرسیونی مؤثر بودن آن را بر شدت خیابانی شدن زنان مورد تأکید قرار داد. به این ترتیب هر چه سن اولین تماس جنسی پایین تر باشد بر شدت خیابانی شدن زنان افزوده می‌شود. در مورد وضعیت تأهل، افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل در معرض خیابانی شدن قرار دارند و شدت خیابانی شدن در آنان بیشتر است.

همچنین افرادی که دچار از هم گسستگی خانوادگی هستند بیشتر از افرادی که دارای همسر و فرزند هستند در معرض خیابانی شدن قرار داشته و شدت خیابانی شدن در آنان بیشتر است. ضمن این‌که نقش خشونت خانوادگی در گرایش زنان به روسپی‌گری، بیشتر از نقش گسستگی خانوادگی است. هرچه خشونت در خانواده افزایش می‌یابد، احتمال خیابانی شدن در زنان افزایش می‌یابد.

- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰)، *خشونت خانوادگی*، تهران، نشر سالی.
- جی، ویلیام گود. (۱۳۵۲)، *خانواده و جامعه* (ترجمه ویدا صالحی)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۰)، *توسعه و تضاد*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- سازمان جهانی بهداشت. (۱۳۸۰)، *خشونت علیه زنان* (ترجمه شهرام رفیعی فر و سعید پارسی نیا)، تهران، نشر تندیس.
- صدیق سروستانی، رحمت (۱۳۷۲)، *فاصله فروماندگی تا فرومایگی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- علیانی زند، شهین. (۱۳۸۱)، *عوامل زمینه ساز تن دادن زنان به روسپی گری*، اولین همایش آسیب های اجتماعی، انجمن جامعه شناسی ایران.
- فرمانفرمایان، ستاره. (۱۳۴۹)، *روسی گری در تهران*، تهران، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- مانسینی، ژان گابریل. (بی تا)، *فحشا و واسطه گری* (ترجمه فروغ شهاب)، تهران، سازمان نشر فرهنگ انسانی.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، *جامعه شناسی* (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران، نشر نی.
- Badriyeva, Larisa.(2003), **Sex Workers in Kazan**, (Oct 2004).
- Perkins, Roberta. (1991), **Prostitutes, Their Life and Social Control**, available at: www.Aic.gov.au.
- Valnov, Veniamin.(2001), **A Brief Overview of the Situation Among Sex Workers**. available at : [www.afew.orj\russian\derugusers.articles\bull2003.enj.pdf](http://www.afew.orj/russian/derugusers.articles/bull2003.enj.pdf).